

# نقاشی در اتحاد شوروی: هنر ناهمسو در مسکو

گردآوری و ترجمه: سعید خاوری نژاد



انتشارات دولتمرد

رشت، ۱۴۰۰

سرشناسه	: خاوری نژاد، سعید، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: نقاشی در اتحاد شوروی: هنر ناهمسو در مسکو/سعید خاوری نژاد؛ ویراستار وحید خاوری نژاد.
مشخصات نشر	: رشت: انتشارات دولتمرد، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۵ص: مصور (رنگی).
شابک	: 978-622-5754-01-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: هنر دگراندیش -- روسیه شوروی
	Dissident art -- Soviet Union
	نقاشی نوین -- روسیه شوروی -- قرن ۲۰م.
	Painting, modern -- Soviet Union -- 20th century
	نقاشی روسیه شوروی -- تاریخ
	Painting, Soviet -- History
رده بندی کنگره	: N۶۹۸۸
رده بندی دیویی	: ۷۰۹/۴۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۰۹۴۰۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

## نقاشی در اتحاد شوروی: هنر ناهمسو در مسکو

گردآوری و ترجمه: سعید خاوری نژاد

ویراستار: وحید خاوری نژاد

ناشر: دولتمرد

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

قیمت: ۱۳۰۰۰۰ تومان

شابک: ۰۱-۰۵۷۵۴-۶۲۲-۹۷۸

تلفن: ۰۱۳-۳۳۵۸۴۶۴۵

همراه: ۰۹۱۱۲۴۸۵۹۶۷

وبسایت: [www.dolatomardpub.ir](http://www.dolatomardpub.ir)

پست الکترونیک: [info@dolatomardpub.ir](mailto:info@dolatomardpub.ir)

## فهرست مطالب

۱	مقدمه
۵	تجربه غیر رسمی آفرینش هنری
۵	هنر ناهمسو چیست؟
۶	هنر ناهمسو و تحولات سیاسی - اجتماعی: از خروشچف تا گورباچف
۱۳	هنر ناهمسو در مسکو
۱۴	نسل اول: نئو آوانگارد و بازگشت انتزاع
۱۴	الی بلیوتین
۱۶	لئونید لام
۳۰	میخائیل شوراتسمان
۳۴	دمیتری کراسناپوتسف
۳۹	اولگ تسلکوف
۴۲	آناتولی زورف
۴۵	ولادیمیر یاکوولف
۴۹	گروه لیانوزاوا
۵۰	لف کراپونیتسکی
۵۴	والنتینا کراپونیتسکایا
۵۶	لیدیا ماستیرکوا
۶۰	ولادیمیر نیموخین
۶۳	نیکولای ویچتوموف
۶۶	اسکار رایین

- ۷۰..... گروه بلوار سرتینسکی
- ۷۰..... ایلیا کاباکوف
- ۷۵..... اریک بولاتوف
- ۷۹..... ارنست نیئیزوستنی
- ۸۵..... ادوارد استینبرگ
- ۹۱..... اولگ واسیلیف
- ۹۴..... ویکتور پیوواروف
- ۹۹..... یولا سوآستیر
- ۱۰۴..... ولادیمیر یانکیلوفسکی
- ۱۰۷..... نسل دوم: هنر مفهومی و هنر سوتس
- ۱۰۷..... مفهوم گرابی مسکو
- ۱۰۸..... گروه اقدامات اشتراکی
- ۱۰۸..... نیکیتا آکسیف
- ۱۱۰..... واگریچ باخچانیان
- ۱۱۷..... دمیتری پریگوف
- ۱۲۳..... ایوان چویکوف
- ۱۲۸..... هنر آپارتمانی
- ۱۲۹..... هنر سوتس: استهزای نشانه های رسمی
- ۱۳۱..... کومار و ملامید
- ۱۴۴..... آکساندر کاسالاپوف
- ۱۵۶..... لئونید سوکوف
- ۱۵۹..... گریشا بروسکین
- ۱۶۳..... روستیسلاو لبدف
- ۱۶۷..... بوریس اورلوف
- ۱۷۲..... اریک بولاتوف
- ۱۸۸..... نمایشگاه مانژ
- ۱۸۹..... نمایشگاه بولدوزر

- ۱۹۰..... نسل سوم: بازگشت به انتزاع و هنر آپارتمانی.....
- ۱۹۱..... ناتالیا آبلاکاوا و آناتولی ژیگالوف.....
- ۱۹۳..... گروه موخامور.....
- ۱۹۳..... سون گوندلاخ.....
- ۱۹۶..... کنستانتین زویزداچیتوف.....
- ۱۹۹..... آلکسی کامنسکی.....
- ۲۰۲..... ولادیمیر و سرگی میرانکو.....
- ۲۰۵..... گروه اس زد.....
- ۲۰۵..... وادیم زاخاروف.....
- ۲۰۹..... پاول پیپرشتین.....
- ۲۱۲..... سرگی شوتوف.....
- ۲۱۴..... گئورگی لیتیچفسکی.....
- ۲۱۵..... یوری لیدرمان.....



## مقدمه

یکی از جذاب ترین جوانب حیات هنری در روسیه، نقاشی است. تاریخ این هنر، گذشته از شیوه شمایل‌ی<sup>۱</sup> رایج در قرون گذشته، تحت تأثیر نقش پتر کبیر<sup>۲</sup>، شاهد تحول عظیمی شد و نقاشی کلاسیک به شیوه رایج بدل شد و اساتید بزرگ نقاشی روسی به مدت دو و نیم قرن، صحنه گردان عرصه هنر بودند. با آغاز قرن ۲۰ و شکل‌گیری سبک آوانگارد<sup>۳</sup> و صور مختلف آن در روسیه، شیوه‌های جدیدی پا به عرصه وجود گذاشتند که روسیه برای اولین بار شاهد آن بود: واکنش جامعه و آکادمی<sup>۴</sup> به عنوان مرجع هنر، به آوانگاردها متفاوت بود.

با آغاز قرن نازم<sup>۵</sup> و وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و شکل‌گیری نظام اتحاد شوروی (۱۹۲۱)، رژیم جدیدی قدرت را به دست گرفت که رابطه متفاوتی با هنر داشت. دیدگاه سیاستمداران نظام جدید مبتنی بر استفاده حداکثری از هنر به منظور بسیج توده‌ها بود و بنابراین هنرمندان آوانگارد برای مدتی قادر به ادامه کار شدند، اما به تدریج با تقویت پایه‌های ایدئولوژیک حکومت و ابداع شیوه واقع‌گرایی سوسیالیستی<sup>۶</sup>، عرصه فعالیت برای نقاشان آوانگارد محدود شد. بنابراین واقع‌گرایی سوسیالیستی به روش غالب و یگانه راه خلق هنر بدل شد و نقاشان تنها مجاز به نقاشی به این سبک بودند. تا زمانی که ژوزف استالین<sup>۶</sup> رهبر شوروی بود، فضا برای ظهور دیدگاه‌های متفاوت فراهم نبود و حکومت با قاطعیت، شیوه مورد تأیید خود را مورد حمایت قرار می‌داد و با رشد شیوه‌های هنری

- 
1. Icon
  2. Peter the Great
  3. Avant-Grade
  4. academy
  5. Socialist Realism
  6. Joseph Stalin

متفاوت مقابله می کرد که این رفتار اغلب توأم با محدودیت، بازداشت، تبعید و حتی مرگ هنرمندان بود و صحنه های دردناک و شرم آور از تاریخ هنر اتحاد شوروی را خلق کرد. پس از مرگ استالین و آغاز به کار نیکیتا خروشچف [خروشیف]<sup>۱</sup>، روابط با غرب اندکی بهبود یافت و دوره ای در اتحاد شوروی آغاز شد که هنرمندان توانستند افکار و شیوه های هنری خود را با آزادی بیشتری دنبال کنند. اگرچه رژیم در حوزه هنر، همچنان بر اصول رسمی آفرینش هنری تأکید می کرد، اما فضای هنری لایه های زیرین جامعه به ویژه محافل غیر رسمی خصوصی هنرمندان دستخوش تحولات عمیق تری شده بود و ناگهان سبک ها و شیوه هایی پدیدار شدند که به مدت چند دهه در عرصه اجتماعی به چشم نمی خوردند. ظهور سبک سخت [تلخ]<sup>۲</sup> در دهه ۱۹۶۰ که یکی از محصولات منحصر به فرد هنر اتحاد شوروی بود را می توان اثنسابی نیمه رسمی و ملایم از شیوه واقع گرایی سوسیالیستی متصور شد. اشاره به واقعیات تلخ زندگی در شوروی به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، مبنای اصلی آفرینشات به این شیوه بود که دو دهه رواج داشت. اما اندکی پیش تر، اتفاقی در عرصه هنر رخ داده بود که ریشه های آن به چند دهه اول قرن ۲۰ بازمی گشت: از اواسط دهه ۱۹۵۰، شیوه های آشنای آوانگارد و به ویژه انتزاع<sup>۳</sup>، در آثار هنری به طور فزاینده ای به چشم خوردند و با افزایش مناسبات هنری شوروی با غرب و برگزاری نمایشگاه از آثار هنری غربی مدرن در این کشور، هنرمندان جوان بیشتری جذب شیوه هنری رایج در غرب شدند که با آموزه های مورد تأیید تفاوت داشت. این جریان هنری که با واقع گرایی سوسیالیستی و هنر رسمی شوروی تفاوت داشت را تحت عنوان هنر ناهمسو<sup>۴</sup> می شناسند. عدم همسویی با واقع گرایی سوسیالیستی باعث می شد این هنر به طور زیرزمینی خلق شود و غیر رسمی بماند. هنرمندانی که آثار خود را در قالب شیوه های غیر رسمی خلق می کردند از هر گونه حمایت هنری رسمی محروم بودند و تنها بر درآمدهای حاصل از مشاغل دیگر خود، قاچاق آثار خود به خارج یا

- 
1. Nikita Khrushchev
  2. Severe Style
  3. Abstraction
  4. nonconformist



دریافت سفارشات محدود خصوصی اتکاء می کردند. واکنش تند مقامات به حیات این گروه ها و جریانات هنری غیر رسمی، باعث فراز و نشیب های زیادی در مسیر رشد و تکامل هنر ناهمسو شد که شرح آن آکنده از اتفاقات عبرت آموز است.

استعداد و قریحه هنری نقاشان شوروی در دهه های ۱۹۹۰ - ۱۹۶۰ در مسکو که پایتخت اتحاد شوروی بود، باعث شد جریانات قدرتمندی از هنر ناهمسو در این شهر پدیدار شوند و آثار و پیامدهای اجتماعی جالب توجهی داشته باشند. مسکو به عنوان مهم ترین مرکز فعالیت هنری در اتحاد شوروی، میزبان هنرمندانی از سراسر این امپراتوری بزرگ بود که هر یک به سهم خود نقش مؤثری در توسعه هنر مدرن شوروی داشتند.

اثر حاضر با بررسی نقاشی در اتحاد شوروی طی چهار دهه، اندیشه ها، افراد، گروه ها و آثار مرتبط با هنر ناهمسوی مسکو را معرفی و بررسی می کند و در صدد است زمینه مناسبی به منظور آشنایی با دنیای بزرگ و ناشناخته هنرهای تجسمی در شوروی به ویژه نقاشی را فراهم آورد. شناخت بسیار محدود از هنر غیر رسمی اتحاد شوروی میان مخاطبان خارجی که نتیجه فاصله و دوری ناشی از چند دهه جنگ سرد<sup>۱</sup> بود باعث شد بسیاری از شیوه ها و ویژگی های منحصر به فرد هنر این کشور چندان که شایسته بود شناخته نشوند. اگرچه ارتباطات محدود و پنهانی تا حدی وجود داشت، اما تحولات پس از فروپاشی شوروی بود که به معنای واقعی، باعث شد چشم جهان به روی دهه های هنر آن باز شود.

در پایان، امید است با فراهم کردن بستری مناسب به منظور آشنایی با جوانب مدرن هنر در این کشور، زمینه شناخت بهتر رخدادهای صورت پذیرفته و جریانات و چهره های مطرح در هنر تجسمی نقاشی شوروی فراهم آید تا بابتی به منظور تعامل و ادراک بیشتر از تحولات رخ داده در مسیر پرفراز و نشیب حیات هنری این کشور باشد.

سعید خاوری نژاد

زمستان ۱۴۰۰



# تجربه غیر رسمی آفرینش هنری

## هنر ناهمسو چیست؟

عبارت هنر ناهمسو که هنر غیر رسمی یا زیرزمینی نیز نامیده می شود، هنر خلق شده توسط هنرمندان اتحاد شوروی در فاصله اواسط دهه ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۸۰ و به عبارت دقیق تر تا ۱۹۸۶ بود. این هنر نه در چارچوب واقع گرایی سوسیالیستی و اصول سختگیرانه و آمرانه آن قرار می گرفت و نه با سبک سخت همخوانی داشت. ماهیت این شیوه هنری، در ناهمسویی آن با سبک های رایج بود و هنرمندان آن به طور معمول، مخفیانه و به دور از جریان رسمی و اصلی هنری شوروی فعالیت می کردند زیرا آثار ایشان نه تنها مورد پسند نبود بلکه ممکن بود با انتقاد شدید، تمسخر، تحقیر و حتی برخورد جدی از طرف مقامات مواجه شود.

رابطه پنهانی و محدود این هنرمندان باعث می شد هنر ناهمسو، انجسام و وحدت نداشته باشد و به دشواری می توان آن را یک جنبش نامید. به عبارت دیگر، کمبود منابع، انزواء و دوری ناشی از واگم دستگیری باعث شد این هنرمندان هر یک به سبکی فعالیت کنند که در نتیجه، انواع شیوه های آفرینش هنری از کوبیسم<sup>۱</sup>، هنر انتزاعی<sup>۲</sup> و اکسپرسیونیسم<sup>۳</sup> گرفته تا فراواقع گرایی<sup>۴</sup>، اکسپرسیونیسم انتزاعی<sup>۵</sup> و هنر پاپ<sup>۶</sup> در میان آن ها مشاهده می شود. بررسی آثار خلق شده زیرزمینی نشان می دهد که طیف مختلفی از

- 
1. Cubism
  2. Abstract art
  3. Expressionism
  4. Surrealism
  5. Abstract Expressionism
  6. Pop Art

هنرمندان و شیوه های آفرینش به دلیل پذیرفته نشدن از سوی مراجع رسمی تأیید کننده، در محدوده گسترده هنر ناهمسو قرار می گرفتند که سبک ها و شیوه های مختلفی را شامل می شد.

دسته بندی این هنرمندان در یک قالب واحد ممکن نیست و بهتر است به جای عبارت جنبش هنری، از شکل گیری جریانی اجتماعی در هنر اتحاد شوروی در نیمه دوم قرن ۲۰ سخن گفت. هنرمندان زیادی را می توان در این مجموعه قرار داد که هر یک به شیوه مورد نظر خود آفرینش هنری می کردند. از آن جایی که بسیاری از رویکردهای هنری مورد استفاده هنرمندان ناهمسو، تکرار دیر هنگام سبک ها و جنبش های غربی از قبیل کوبیسم، فراواقع گرایی، انتزاع، اکسپرسیونیسم و اکسپرسیونیسم انتزاعی بود، جامعه هنری غرب درخصوص شناسایی هنر ناهمسوی شوروی تردید داشت. اما گاه نمایشگاه هایی از آثار قاچاق شده این هنرمندان یا آثار هنرمندان مهاجرت کرده، در گالری ها و موزه های غربی برگزار می شد.

این هنرمندان به تعبیر بوریس گرویس<sup>۱</sup> منتقد و نظریه پرداز هنر، باید حقیقت فردی خود را در میانه دروغ عمومی رسمی در شوروی اظهار می کردند و شماری از آن ها احساس کردند باید نسبت به بی عدالتی هایی که اتحاد شوروی به آن ها روا می داشت فعالانه واکنش نشان بدهند.

### هنر ناهمسو و تحولات سیاسی - اجتماعی: از خروشچف تا گورباچف

هنر ناهمسو را نباید پدیده ای منحصر به دهه های ۱۹۸۰ - ۱۹۵۰ دانست زیرا با شکل گیری و ظهور دولت شوروی و ترسیم رئوس سختگیرانه برای آفرینش هنری، به طور خودکار شماری از آثار در دسته هنر غیر قابل تأیید و ناهمسو با آموزه های رسمی قرار گرفتند. اگرچه بخش اعظم دهه اول عمر دولت شوروی فاقد محدودیت های رسمی هنری بود و هنرمندان آوانگارد به فعالیت خود ادامه می دادند، اما اندکی پس از به قدرت رسیدن ژوزف استالین، فعالیت و آفرینش هنری در چارچوبی متمایز از واقع گرایی

## تجربه غیر رسمی آفرینش هنری ■ ۷

سوسیالیستی یا مخالف آن، اقدامی بسیار پرخطر محسوب می شد و یافتن فضایی امن به منظور خلق این آثار دشوار بود.

بنابراین، هنر ناهمسو در معنایی گسترده، از اوایل عمر اتحاد شوروی وجود داشت، اما به طور خاص، پس از به قدرت رسیدن نیکیتا خروشچف اتفاقاتی افتاد که زمینه را برای مطرح شدن این آثار هنری مهیا کرد. حمله کلامی خروشچف به استالین در ۱۹۵۶ و آغاز پروژه استالین زدایی در ارکان مختلف سیاست، جامعه و فرهنگ شوروی و زمینه سازی به منظور آزادی نسبی و آب شدن یخ های مناسبات اجتماعی و همچنین بهبود روابط شوروی با غرب باعث شد فضای هنری فرصت دوباره ای به منظور تجلی پیدا کند. با توجه به آزادی های نسبی اعطاء شده، نمایشگاه ها و جشنواره های بین المللی هنری مختلفی برگزار شد که هنرمندان و به ویژه نقاشان شوروی را در معرض آثار هنری خارجی قرار داد؛ تابلوهایی که به شیوه واقع گرایانه سوسیالیستی خلق نشده بودند. هنرمندان تحت تأثیر فضای ایجاد شده، به سبک های هنری غربی نظیر انتزاع و اکسپرسیونیسم رو آوردند و هم زمان با این تغییر مسیر، موضوعات جنسی، مذهبی و الکل وارد موضوعات آثار هنری شدند که ممنوع و با اخلاق گرایبی شوروی ها در تعارض بودند.

انباشت تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و هنری این تغییرات آرام، خود را در ۱۹۶۲ در نمایشگاه سالن مانژ<sup>۱</sup> در مسکو نشان داد. در این رویداد تاریخی، برای اولین بار اجازه داده شده بود هنرمندانی که خارج از تشکیلات قدرتمند اتحادیه هنرمندان اتحاد شوروی<sup>۲</sup> فعالیت می کردند در کنار هنرمندان رسمی، در نمایشگاه حضور داشته باشند. اما تحریک خروشچف توسط هنرمندان سنتی واقع گرای سوسیالیست علیه نئو آوانگارد<sup>۳</sup> حاضر در نمایشگاه و بحث رهبر شوروی با یک پیکر تراش سبک انتزاعی در این نمایشگاه درباره شایستگی های این سبک، باعث خشم خروشچف و بستن نمایشگاه در فردای آن روز و تبدیل آزادی نسبی به دیکتاتوری علیه آثار هنری و هنرمندان ناهمسو شد.

- 
1. Manezh Exhibition Hall
  2. The Artists' Union of the USSR
  3. Neo avant-gardists

اگرچه آب شدن یخ ها به همین سرعت متوقف شد، اما خلق آثار هنری تجربی پایان نیافت و در واقع، با زیرزمینی شدن آن و استمرار آفرینشات خلاقانه، هنرمندان ناهمسو در اتحاد شوروی در دنیای سایه ها اقدام به تجربه و خلق آثار هنری کردند. با افزایش مخفی کاری نقاشان ناهمسو، جامعه زیرزمینی بسته هنر تجربی ایجاد شد. هنرمندان به شیوه چمدانی فعالیت داشتند و گاه آثار را به نحوی خلق می کردند که با قرارگیری در چمدان دیپلمات ها، دانشجویان و تجار خارجی، به طور قاچاقی قابل ارسال به خارج و به نمایش درآمدن در گالری های غربی باشد. در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ که هنر ناهمسو هنوز به طور گسترده شناخته نشده بود، تعدادی از مجموعه داران و نمایشگاه های غربی از وجود آن مطلع بودند و با حمایت های پنهانی، از قبیل خرید و قاچاق آثار به غرب و ارسال پول و لوازم نقاشی، از این هنرمندان حمایت می کردند. به عنوان مثال، کندا و ژاکوب بار گرا<sup>۱</sup> زوج یهودی که در آلمان ساکن بودند بدون این که هنرمندان را از نزدیک دیده باشند، بسیاری از این آثار را می خریدند و به طور چمدانی توسط شخصیت های خارجی از شوروی به داخل اروپا قاچاق می کردند.

بسیاری از این هنرمندان با زندگی دوگانه خود، گاه به ظاهر تصویرگر کتاب های داستان کودکان بودند و گاه در نقش آموزگار یا طراح پوسترهای تبلیغاتی فعالیت می کردند، اما در خفا، دست به تجربیاتی بدیع در هنرهای غیر رسمی شوروی به ویژه در آپارتمان ها و حومه شهر می زدند. بستر نمایش آثار خلق شده نیز برگزاری نمایشگاه های خانگی کوتاه مدت مخفی در آپارتمان های همدیگر بود که بازدیدکنندگان آن اغلب از دوستان بسیار نزدیک یا بستگان هنرمندان بودند. کا.گ.ب با این نمایشگاه ها برخورد می کرد و با یافتن مکان برگزاری، آن ها را می بست و افراد را دستگیر می کرد.

جامعه هنری شوروی به تحمیل آموزه های دولتی به ویژه واقع گرایی سوسیالیستی پاسخ یکسانی نداد و تعداد زیادی از هنرمندان که تجربه در سبک ها و شیوه های هنری دیگری را دوست داشتند، زیر بار الزام حکومتی نرفتند. آن ها با آثاری که خلق می کردند این نکته را نشان می دادند که هنر در اتحاد شوروی چیزی فراتر از واقع گرایی

## تجربه غیر رسمی آفرینش هنری ■ ۹

سوسیالیستی بود و به واقع، دامنه خلاقیت هنری به مرزهای محدود مارکسیسم - لنینیسم<sup>۱</sup> ختم نمی شد.

افزایش سرعت شهرنشینی، توسعه آموزش شهروندان شوروی از دهه ۱۹۵۰، ظهور طبقات متخصص و روشنفکر باعث شد در کنار نسل متولد شده در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، نسل های آگاه تر و مستقل تری تربیت شود که با دیدگاه های سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی متفاوت خود، در فضای آزادی های نسبی خروشچف رشد کرد و افکار و احساسات خود را گاه به دلخواه و گاه در واکنش به واقعیت موجود در شوروی به اشکال مختلف به اشتراک می گذاشت.

نگاه غربی به شوروی بسیاری از تحولات بنیادین در لایه های زیرین اجتماعی را مشاهده نکرد زیرا راه های ارتباطی در آن دوره محدود بود. همین امر زمینه ساز حاکم شدن نگرشی بود که با نادیده گرفتن و ساده انگاری ماهیت بسیار پیچیده و سوء تعبیر از آن چه در شوروی در حال وقوع بود، فضای این کشور را به طور صرف با رکود و افول مرتبط کرد، در حالی که تغییرات اساسی در حال آغاز بود و نتیجه سیاستگذاری ها و اقدامات خروشچف در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و همچنین آلکسی کاسیگین<sup>۲</sup> نخست وزیر شوروی در دهه های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ حرکتی را آغاز کرده بود که نمود آن، در شکل گیری و ظهور جریانات مستقل و متمایز در جامعه، فرهنگ و هنر بود.

در مجموع باید گفت که عرصه اجتماعی و هنری در اتحاد شوروی به جهت برخی سیاست های تنش زدایانه خروشچف شاهد گشایش های نسبی و افزایش میزان مدارا با آثار ناهمخوان با ایدئولوژی رسمی کشور بود: به موازات تنش زدایی در عرصه بین المللی، سیاست های توانمندسازی اقتصادی دنبال شد و در عرصه هنر نیز با باز شدن فضا، آثاری از قبیل یک روز از زندگی ایوان دنیسویچ<sup>۳</sup> اثر برجسته نویسنده شهیر روسی، آلکساندر سولژنیتسین [سالژینیتسین]<sup>۴</sup> که او نیز در گولاگ مجازات شده و کار اجباری کرده بود،

- 
1. Marxism - Leninism
  2. Aleksey Kosygin
  3. Aleksandr Solzhenitsyn
  4. One Day in the Life of Ivan Denisovich

به طور قانونی در نوامبر ۱۹۶۲ منتشر شد و در دسترس خوانندگان شوروی قرار گرفت. این تحولات در کنار سایر عوامل سیاسی، زمینه ساز افزایش نگرانی مقامات تندرو، موضع گیری منفی چهره های محافظه کار حزب و سرانجام، کودتا علیه خروشچف و خروج نهایی وی از صحنه قدرت در ۱۹۶۴ شد.

در دوره حکومت به نسبت طولانی لئونید برژنف [لیانیت برژنیف]<sup>۱</sup> آزادی بیان همچنان به اماکن خصوصی و داخل منازل افراد محدود می شد و عرصه عمومی و سیاسی جامعه اجازه عملکرد آزادانه به هنرمندان به ویژه هنر غیر رسمی نمی داد. البته فضای دگراندیشی در شوروی دهه ۱۹۷۰ زبانی معطوف به جامعه و بخش عمومی داشت و همسو با جو بین المللی ایجاد شده در زمینه گفتگوهای تنش زدایانه میان شوروی و آمریکا، با فعالیت دانشمندان، ادیبان و هنرمندان در زمینه حقوق بشر همراه بود. البته دستگاه سیاسی - امنیتی بی کار نمی نشست و همچنان دگراندیشان را با جدیت تعقیب می کرد. به منظور مشاهده تحول اساسی که فضای شوروی را برای همیشه دگرگون می کرد، به گذشت بیش از یک دهه دیگر زمان نیاز بود.

میخائیل گورباچف [گارباچوف]<sup>۲</sup> (متولد ۱۹۳۱) آخرین رهبری شوروی، در ۱۹۸۵ پس از مرگ کنستانتین چرننکو [چیرننکا]<sup>۳</sup> (۱۹۸۵ - ۱۹۱۱) که مدت کوتاهی حکومت کرده بود، قدرت را در اتحاد شوروی به دست گرفت. وی با نگاهی اطلاع طلبانه به ساختار سیاسی - اجتماعی این امپراتوری پهناور، زمینه ساز تحولاتی عمیق در سطح جامعه، دولت و ساختار حکومت شد. مهم ترین بخش از اقدامات اصلاح طلبانه او ابداع و اجرای چهار برنامه اصلاحی بود که در کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست در فوریه ۱۹۸۶ اعلام شد: گلاسنوست [گلاسناست]<sup>۴</sup>، پرسترویکا [پیرسترویکا]<sup>۵</sup>، دموکراتیزاتسیا [دیماکراتیزاتسیا]<sup>۶</sup> و اوسکورنیه [اوسکارنیه]<sup>۷</sup>. نگاهی که در گلاسنوست وجود داشت

- 
1. Leonid Brezhnev
  2. Mikhail Gorbachev
  3. Konstantin Chernenko
  4. Гласность / Glasnost
  5. Перестройка / Perestroika
  6. Демократизация / Demokratizatsiya
  7. Ускорение / Uskoreniye



معطوف به ایجاد آزادی و گشایش در فضای سیاسی - اجتماعی بود. پرسترویکا به معنای بازسازی و دموکراتیزاسیون به دنبال دموکراتیک کردن روندهای سیاسی - انتخاباتی بود و همچنین اسکورنیه، شتاب دهی اقتصادی را هدف قرار داد.

گورباچف با آغاز برنامه گلاسنوست، به طور بی سابقه ای زمینه ساز شفافیت و آزادی بیان در جامعه شد و افراد و رسانه ها، آزادی عمل بیشتری پیدا کردند. در ادامه، با حذف محدودیت های اعمال شده بر هنر و هنرمندان، مرزهای هنر تأیید شده و تأیید نشده از بین رفت و عبارت هنر ناهمسو نیز معنای خود را از دست داد و پایان یافت و بستر بروز خلاقیت هنری برای هنرمندان اتحاد شوروی و به زودی فدراسیون روسیه، فراهم شد. این آزادی حاصل از سیاست های جدید دولت، باعث شد هنرمندان دیگر به منظور خلق اثری هنری به دولت و حزب کمونیست وابسته نباشند. با این توصیف، هنر ناهمسو در عمل دیگر وجود نداشت زیرا دیگر ملاکی وجود نداشت که همسویی یا ناهمسویی با آن معنا داشته باشد.

آزادی بدون واهمه از آزار و تعقیب قضائی، اجازه داد تا هنرمندان زیادی، آثاری خلق کنند که اظهار نظر منتقدانه صریح در عرصه عمومی محسوب می شد. به عنوان مثال، اثر دمیتری وروبل<sup>۱</sup> *خدای من، کمکم کن از این عشق مهلک زنده بمانم*<sup>۲</sup> یا عنوان دیگر آن، *بوسه دوستانه*<sup>۳</sup> بر روی بخشی از دیوار برلین<sup>۴</sup> کاری بسیار تحریک آمیز بود. این نقاشی، بازسازی عکسی از ملاقات و روبوسی برژنف و اریش هونکر<sup>۵</sup> صدر اعظم جمهوری دموکراتیک آلمان<sup>۶</sup> (آلمان شرقی) در ۱۹۷۹ بود.

چنین اثری، تنها یک نمونه از رویکردی بود که تا پیش از این امکان بیان عمومی آزادانه نداشت. رویه های انتقادی در حال شکل گیری در کنار سایر نقاشی های جسورانه، همسو با صریح تر شدن بیان هنری در شوروی و بلوک شرق<sup>۷</sup>، نشان از آزادی عمل

- 
1. Dmitri Vrubel
  2. My God, Help Me to Survive This Deadly Love
  3. The Fraternal Kiss
  4. Berlin Wall
  5. Erich Honecker
  6. German Democratic Republic (GDR)
  7. Eastern Bloc

## ۱۲ ■ نقاشی در اتحاد شوروی: هنر ناهمسو در مسکو

هنرمندان به منظور ارائه آثار خود داشت. اکنون نقاشان، افکار و ایده های خود را به طور مستقیم بیان می کردند و نهاد یا سازمانی مسئول نظارت و اطمینان از همسویی آن با اصول و آموزه های رسمی نبود. این فضا، زمینه ساز انتشار آثاری شد که خبر از آغاز عصری نوین در پذیرش هنر نقاشی در شوروی می داد که به زودی با فدراسیون روسیه جایگزین می شد.

# هنر ناهمسو در مسکو

کشور روسیه در چند قرن گذشته همواره دو قطب بزرگ فرهنگی - هنری داشته است: مسکو و لنینگراد<sup>۱</sup> (سن پترزبورگ<sup>۲</sup> فعلی). در همین راستا، هنر ناهمسو در دوران اتحاد شوروی را نیز می توان به دو جریان بزرگ تر در مسکو و لنینگراد دسته بندی کرد. گروه هنرمندان مسکو در مقایسه با نقاشان لنینگراد، شهرت بیشتری دارند. هر یک از این دو شهر شاهد فعالیت گروه ها و ظهور مکاتب متعددی بودند و گاه هنرمندان اهل آن دو و گاه نقاشانی از شهرها یا جمهوری های دیگر به سبب تحصیل، کار و زندگی در این دو مرکز، به عضویت جریانات شکل گرفته در آن درمی آمدند یا خود، رهبری جنبش های جدید را به عهده می گرفتند.

تنوع هنرمندان، رشته ها، سبک ها و رویکردهای هنری در قبال آثار خلق شده غیر قابل تأیید در شوروی باعث می شود نتوان دسته بندی واحد و روشنی از مجموعه هنرمندان آفریننده آثار هنری ناهمسو با واقع گرایی سوسیالیستی ارائه کرد. برای اولین بار، رشته های هنری دیگر که به تازگی در عرصه هنر جهان و همچنین شوروی پدیدار می شدند، با قرارگیری در طیف هنری ناهمسو، تنوع قابل توجهی به آثار خلق شده توسط هنرمندانی دادند که نه فقط نقاشی، بلکه سایر رشته های هنری تجسمی و دسته های دیگر آفرینش هنری را به عنوان زمینه فعالیت خلاقانه خود انتخاب کرده بودند.

در مجموع، شناخت جریاناتی که تحت عنوان هنر ناهمسو در دوره های زمانی مختلف طی چهار دهه در مسکو پدیدار شد زمینه ساز درک بهتری از ظهور و تکامل هنر

---

1. Leningrad: نام شهر سن پترزبورگ در دوران شوروی

2. St. Petersburg: دومین شهر مهم روسیه و پایتخت فرهنگی این کشور

تجربی و خلاقیت محدود نشده هنرمندان تجسمی در فضای بسته شوروی فراهم می کند. هنر ناهمسو [در مسکو] را می توان به تعبیر نیکول مورفی هالند<sup>۱</sup> در قالب سه نسل از هنرمندان بررسی کرد.

### نسل اول: نئو آوانگارد و بازگشت انتزاع

نسل اول شامل آن دسته از هنرمندانی مسکویی بود که در اواسط دهه ۱۹۵۰ تثبیت شدند و فعالیت می کردند. ایشان تحت تأثیر شدید هنر آوانگاردی قرار گرفتند که در دوره کوتاه آزادی های نسبی مشاهده کردند. شماری از این هنرمندان در اتحاد شوروی بیش از سایرین در زمینه شکل گیری و توسعه هنر ناهمسو به ویژه انتزاع و اکسپرسیونیسم انتزاعی نقش داشتند. این چهره های جریان ساز در نقاشی، گرافیک، پیکرتراشی و سایر رشته های هنری، به دلیل دیدگاه ها و همچنین تجربیات شخصی، مسیر حرکت هنر ناهمسو را تحت تأثیر خود قرار دادند.

### الی بلیوتین

الی بلیوتین<sup>۲</sup> (۲۰۱۲ - ۱۹۲۵) یکی از اولین و تأثیرگذارترین شخصیت های مرتبط با هنر ناهمسو بود که در دهه ۱۹۵۰ شاگردان خود را به فعالیت در سبک های هنری غیر رسمی تشویق می کرد. او از هنرمندان، معلمان و نظریه پردازان شاخص هنر ناهمسو بود و در حرفه هنری خود، از اکسپرسیونیسم تا انتزاع را تجربه کرد. کارگاه هنری او که اولین کارگاه هنر انتزاعی شوروی در نیمه قرن ۲۰ بود به مکانی برای شکل گیری جنبشی تحت عنوان واقعیت جدید<sup>۳</sup> تبدیل شد. بلیوتین یکی از هنرمندان شرکت کننده در نمایشگاه مانژ در ۱۹۶۲ بود و خروشچف با او مشاجره کلامی تند و توهین آمیزی کرد.

---

1. Nicole Murphy Holland  
2. Ely Bielutin  
3. New Reality



بالا راست: الی بلیوتین،  
حیوانات (دو) ۱، ۱۹۶۲، رنگ  
روغن بر روی بوم،  
۹۰ × ۱۲۰ س.م.

بالا چپ: الی بلیوتین، زنان به  
آسمان می نگرند، ۱، ۱۹۷۴،  
رنگ روغن بر روی بوم،  
۷۶ × ۱۰۰ س.م.

پایین راست: الی بلیوتین،  
زن ۲، ۱۹۸۶، رنگ روغن بر  
روی بوم، ۱۰۰ × ۵۰ س.م.

پایین چپ: الی بلیوتین،  
ماژول «رقص» ۴، ۱۹۸۸، رنگ  
روغن بر روی بوم،  
۹۸/۵ × ۱۴۸/۵ س.م.



1. Animals (Two)
2. Women, Looking into the Sky
3. Woman
4. Module "Dance"

### لئونید لام

لئونید لام<sup>۱</sup> (متولد ۱۹۲۸) از شاگردان یاکوف چرنیخوف<sup>۲</sup> و یکی از هنرمند - کنشگران فعال در هنر ناهمسو بود. او به عنوان هنرمند آوانگارد شوروی، نظریه فضای هنری خود را ابداع کرد و از پیشگامان بازی با نمادهای ایدئولوژیک در نقاشی بود. وی در دهه ۱۹۶۰ فضای تصاویر خود را با فضای بیننده ترکیب و با استفاده از پرسپکتیو در آثار خود، میان دو فضای اثر هنری و بیننده، رابطه ایجاد می کرد.

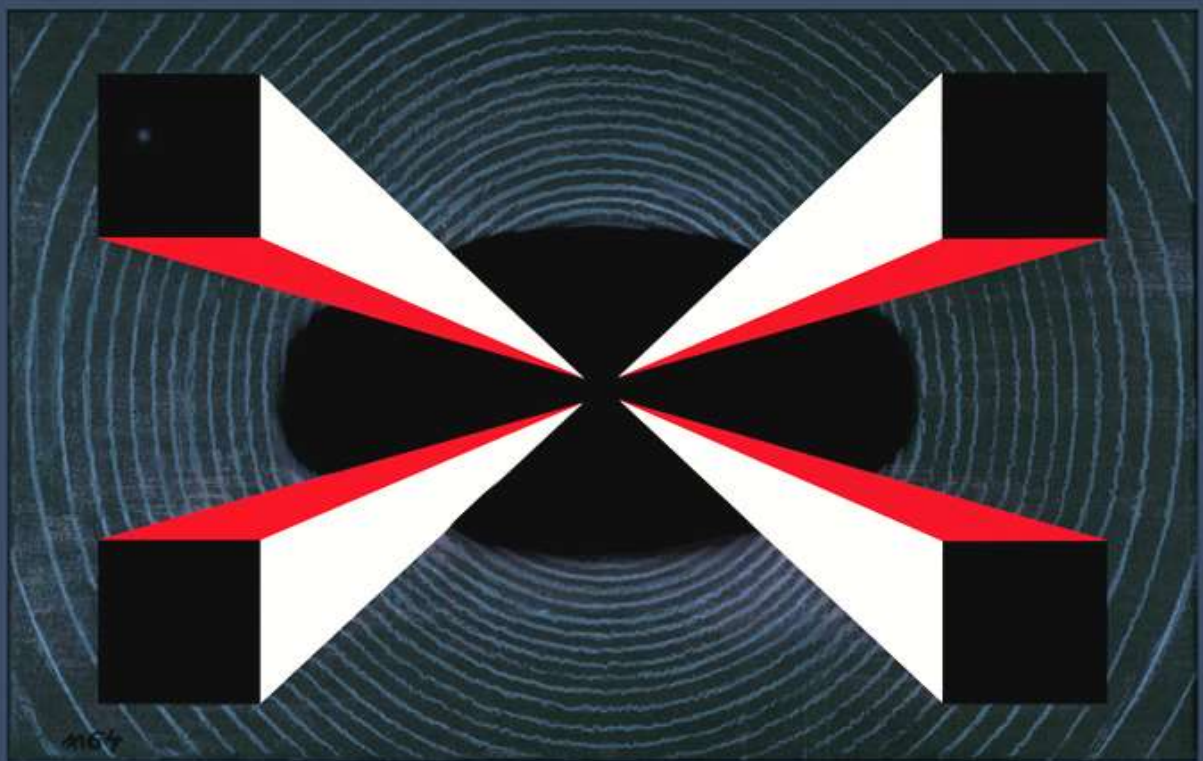
وی در شیب مورب پویا<sup>۳</sup> (۱۹۵۵) اشکال هندسی مقطعی کشید که در جوی مبهم، معلق هستند. ابرهایی در پس زمینه به چشم می خورند و به این نقاشی تا اندازه ای، حسی فراواقع گرایانه می دهند.

لئونید لام، شیب مورب پویا، ۱۹۵۵،  
آبرنگ و مداد رنگی بر روی کاغذ،  
۳۲/۳ × ۴۴/۵ س.م، موزه هنر زیمرلی  
دانشگاه راتجرز<sup>۴</sup>، نیوجرسی<sup>۵</sup>، ایالات  
متحده آمریکا

1. Leonid Lamm
2. Yakov Chernikhov
3. Dynamic Diagonal Decline
4. Zimmerli Art Museum of Rutgers University
5. New Jersey



لئونید لام در ۱۹۶۴ نقاشی دیگری تحت عنوان *انرژی فضا*<sup>۱</sup> خلق کرد که به منظور تأثیرگذاری بیشتر، از هندسه موازی هذلولی بهره می گرفت و وهم فضای تصویری ایجاد می کرد که به جلو به طرف فضای بیننده حرکت می کرد. هنرمند این اثر خود را از تماشای تلویزیون الهام گرفت.



لئونید لام، *انرژی فضا*، ۱۹۶۴، رنگ روغن و پاستل روغنی بر روی مقوا، ۸۴ × ۵۴ س.م.، مجموعه شخصی هنرمند

این هنرمند نقاش در *مادر / تاریکی*<sup>۱</sup> (۱۹۶۵) یک بار دیگر اثری تحت تأثیر مربع مشکی<sup>۲</sup> کازیمیر مالویچ (۱۸۷۸ - ۱۹۳۵) خلق کرد. او مربع را در مقابل پس زمینه ای جوئی قرار داد و عبارت *مادر* را در مربع ترسیم کرد و فضای مشکی آن را با خطوط پرسپکتیو دار شکست. تکرار واژه روسی *مادر* می تواند به نحو دیگری به معنای تاریکی نیز خوانده شود که اقدامی یادآور آبرویو<sup>۳</sup> یا گروهی از شاعران پوچ گرای شوروی در دهه ۱۹۲۰ بود که در مقابله با جریان در حال تثبیت واقع گرایی سوسیالیستی تشکیل شده بود. لام از اولین هنرمندان نقاش شوروی و هنر ناهمسو بود که از واژگان در آثار خود استفاده می کرد.

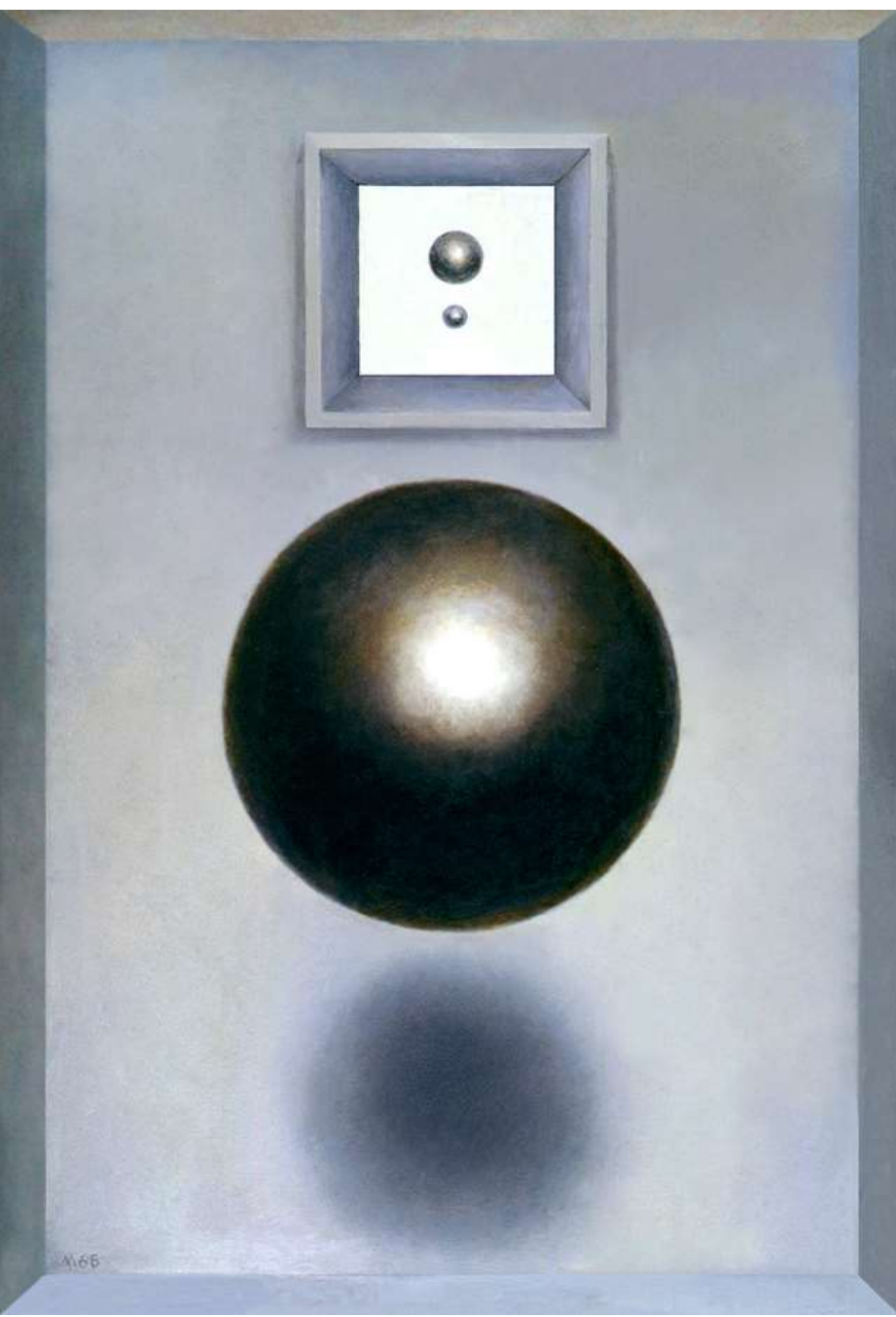


لئونید لام، *مادر / تاریکی*، ۱۹۶۵، تمپرا و آبرنگ بر روی کاغذ، ۸۶/۷ × ۶۳/۴ س.م.، موزه هنر زیمرلی دانشگاه راتجز، نیوجرسی، ایالات متحده آمریکا

1. Kazimir Malevich
2. Black Square
3. ОБЭРИУ / Oberiu



فضا<sup>۱</sup> (۱۹۶۵) یکی از آثار شاخص لئونید لام است که بیننده در مواجهه با آن، کره ای می بیند که از داخل بوم به بیرون می آید. در این نقاشی، هنرمند به منظور القای چند بعدی بودن فضا تلاش کرده بود.



لئونید لام، فضا،  
۱۹۶۵، رنگ  
روغن بر روی  
تخته، ۱۵۴ × ۱۰۸  
س.م.، موزه هنر  
زیمرلی دانشگاه  
راتجی—  
نیوجرسی، ایالات  
متحده آمریکا

در دهه ۱۹۷۰ لام و خانواده او به علت ارتباط هنرمند با شخصیت های دگراندیش نظیر یولی دانیل، آکساندر گالیچ<sup>۱</sup> و ولادیمیر ماکسیموف<sup>۲</sup> تحت آزار و تعقیب مقامات قرار گرفتند. در همین ارتباط، در دهه ۱۹۷۰ رویه منتقدانه ای اتخاذ و آثاری در نقد نظام شوروی ترسیم کرد. هنرمند پیش از مهاجرت در ۱۹۸۲، چند سال را در اردوگاه کار اجباری و همچنین آسایشگاه روانی گذراند. رویه انتقادی او علیه شوروی که در دهه ۱۹۷۰ ایجاد شده بود با آثار خلق شده پس از مهاجرت، استمرار یافت.



لئونید لام، پیروزی / فاجعه<sup>۳</sup>، ۱۹۶۸، گواش و تمپرا بر روی کاغذ، ۴۹ × ۴۴ س.م.، موزه هنر زیرملی دانشگاه راتجز، نیوجرسی، ایالات متحده آمریکا

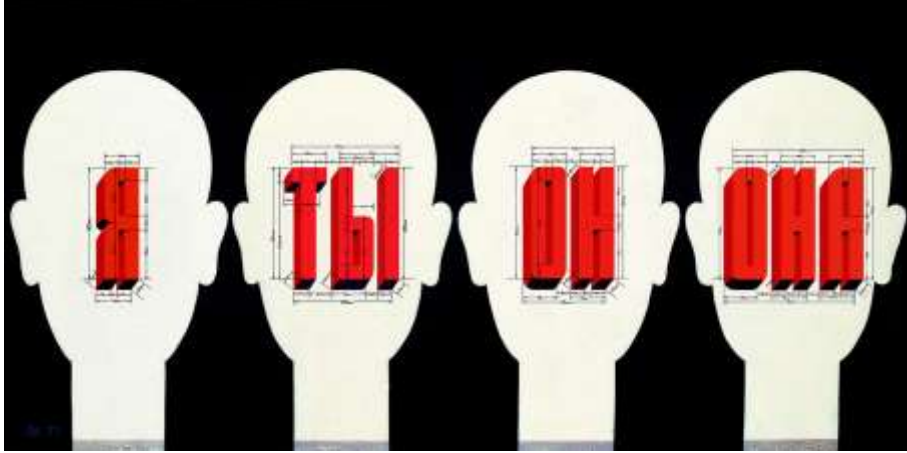
1. Alexander Galich
2. Vladimir Maximov
3. Victory / Disaster



لئونید لام، پیروزی / فاجعه بر روی خورشید<sup>۱</sup>، ۱۹۷۱، گواش و تمپرا بر روی کاغذ، ۳۵/۶ x ۴۷ س.م، گالری دولتی  
ترتیاکوف، مسکو

لام در دهه ۱۹۷۰ آثاری از قبیل من، تو، او، او<sup>۲</sup> (۱۹۷۱) در نقد نظام اتحاد شوروی خلق کرد و در آن ها از اعداد و ارقام در داخل نقاشی به منظور اشاره طعنه آمیزانه به یک شکلی و یکدستی انسان شوروی<sup>۳</sup> استفاده نمود. همچنین بعدها پس از مهاجرت، نگهبان نیکولای<sup>۴</sup> (۱۹۸۴)، سرهنگ پوردز، رئیس زندان بوتیرکا<sup>۵</sup> (۱۹۸۵) و هرم<sup>۶</sup> (۱۹۸۸ - ۱۹۸۶)، نقاشی هایی بودند که در آن ها از اعداد و خطوط مقیاس استفاده می شد. هدف هنرمند اشاره به یکدستی و یکنواختی انسان تربیت شده در شوروی بود.

- 
1. Victory / Disaster Over The Sun
  2. I, You, He, She
  3. Homo Sovieticus
  4. The Guard Nikolay
  5. Colonel Podrez, Chief of Butyrka Prison
  6. Pyramid



بالا: لئونید لام، من، تو، او، او، ۱۹۷۱، رنگ روغن بر روی بوم، ۱۲۹ × ۶۵ س.م.، موزه هنر زیمرلی دانشگاه راتجز، نیوجرسی، ایالات متحده آمریکا  
 پایین: لئونید لام، نگهبان نیکولای، بخشی از چیدمان به سوی آزادی با وجدانی آسوده، ۱۹۸۴، رنگ روغن بر روی بوم، ۱۰۴ × ۱۰۴ س.م.

---

1. To Freedom with a Clear Conscience



لئونید لام، سرهنگ  
پودرز، رئیس زندان  
بوتیرکا، ائیری  
به همراه چند  
طراحی دیگر متعلق  
به چیدمان پنچ،  
۱۹۸۵، رنگ روغن  
بر روی بوم،  
۱۰۴ × ۱۰۴ س.م،  
مجموعه بانک  
فنلاند، نیویورک



لئونید لام، صبح  
سرزمین مادری ما،  
۱۹۷۶، آکرلیک  
بر روی بوم،  
۲۵/۴ × ۴۳/۲  
س.م، گالری  
دولتی ترتیاکوف،  
مسکو

1. Five
2. Collection of the Finish Bank
3. Morning Of Our Motherland

آلکساندر خاریتونوف

آلکساندر خاریتونوف [خاریتونوف]<sup>۱</sup> (۱۹۳۲ - ۱۹۹۳) را می توان از نظر تاریخی یکی از بنیانگذاران آوانگارد روسی در دهه ۱۹۵۰ در نظر گرفت. چیزی که نقاشی های او را متمایز می کند، ماهیت مذهبی موضوعات مورد علاقه این هنرمند بود. بسیاری از آثار وی محتوی صحنه هایی از کلیسا، فرهنگ مذهبی روسی و مناظری حومه ای و روستایی به همراه پس زمینه ای شامل کلیساها یا سایر نمادها و اماکن مذهبی می باشند.

خاریتونوف از دهه ۱۹۵۰ اقدام به ترسیم صحنه هایی از دنیای عرفانی در نقاشی های فلسفی خود کرد و بسیاری از این تابلوها با تاریخ کلیسای ارتدوکس روسی<sup>۲</sup> به عنوان متولی اصلی مذهب رایج در روسیه رابطه نزدیکی دارند؛ نهادی که در دوران شوروی به شدت تحت فشار و محدودیت بود.

به گفته میخائیل سوکولوف [ساکالوف]<sup>۳</sup> پژوهشگر هنری، این نقاش را باید به عنوان یکی از هنرمندان برجسته نیمه دوم قرن ۲۰ در نظر گرفت زیرا در آثار خود، افکار و امیدهای نسلی را به نمایش می گذاشت که آرزوهای معنوی خود را در طول ایام رکود سیاسی حفظ کرده بود.

خاریتونوف معتقد بود هنر او بر سه اصل استوار بود: نقاشی شمایل<sup>۴</sup> بیزانسی<sup>۵</sup>، نقاشی شمایل روسی قدیمی و سنت روسی قدیمی قلابدوزی با استفاده از سنگ های گرانبها، مروارید و مهره. شیوه نقاشی او را نباید تقلیدی از پوینتیلیسم<sup>۶</sup> فرانسوی بلکه روشی برگرفته از سابقه حرفه قبلی هنرمند دانست که با سنگ های قیمتی ریز کار می کرد. اجزای صحنه های او همچون سنگ های ارزشمند ریز در کنار هم چیده شده اند. مناظر طبیعی جوئی و روشن او به موسیقی باروک<sup>۷</sup> تشبیه کرده اند.

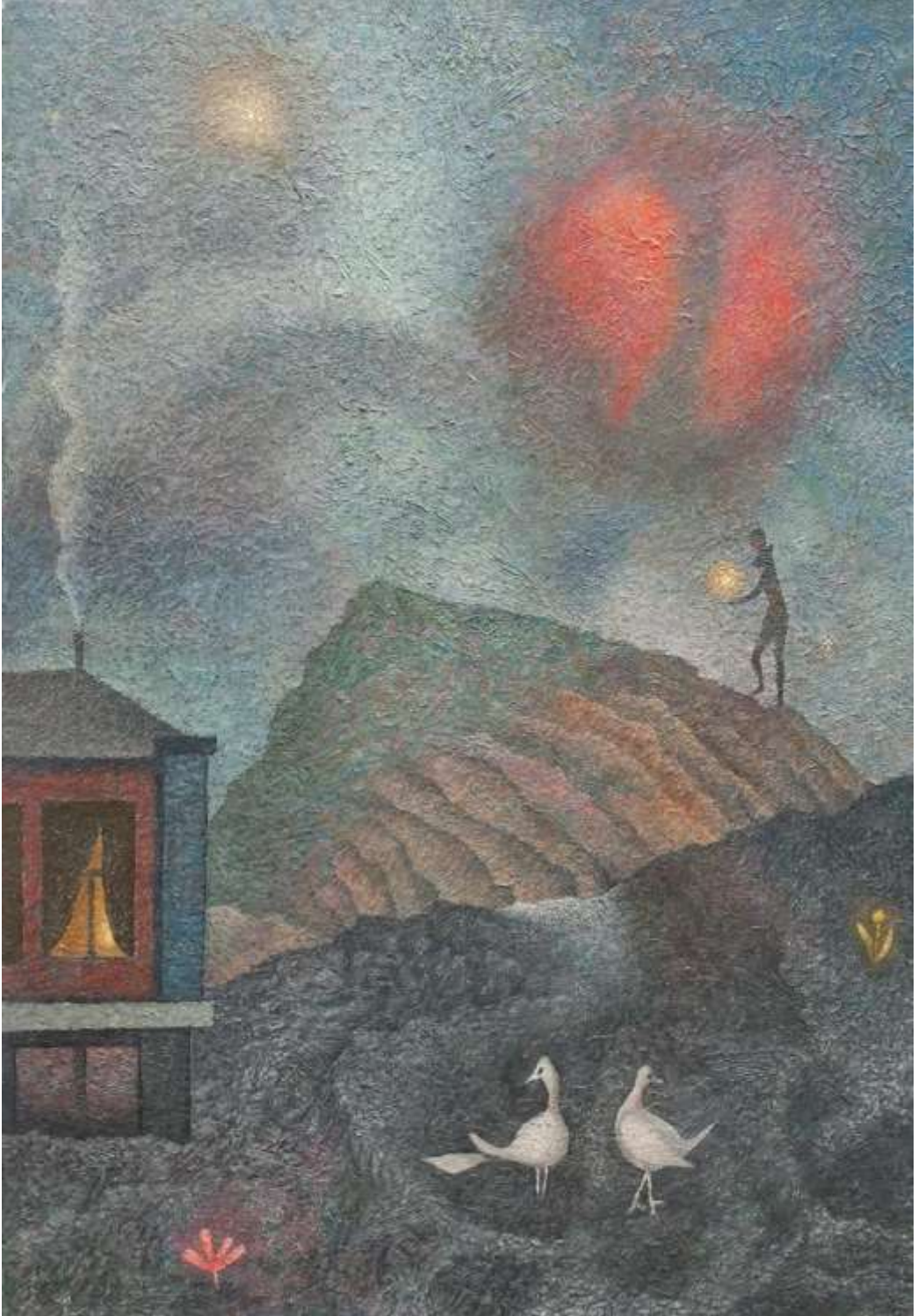
- 
1. Aleksandr Kharitonov
  2. Russian Orthodox Church
  3. Mikhail Sokolov
  4. icon painting
  5. Byzantine
  6. Pointillism
  7. Baroque

فعالیت هنری او را می توان به دو دوره تقسیم کرد: دوره اولیه از اواخر دهه ۱۹۵۰ و طول دهه ۱۹۶۰، سپس دوران بلوغ از دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۶. او در دوره ابتدایی حرفه هنری خود از اواخر دهه ۱۹۵۰ و در طول دهه ۱۹۶۰ نقاشی ها و طراحی هایی در رابطه با موضوعات افسانه ای ترسیم کرد. بر روی خلق داستان هایی خیالی با درون مایه فلسفی تمرکز کرد که از تاریخ و فرهنگ ارتدوکس و روسیه باستانی الهام گرفته می شدند. خاریتونوف در دوره بلوغ هنری خود در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مناظر طبیعی روسی رومانیک<sup>۱</sup> را با حس و حالی فلسفی ترسیم کرد.



آکساندر خاریتونوف، تابستان؛ گل ها<sup>۱</sup>، ۱۹۵۹، رنگ روغن بر روی بوم، ۶۴ × ۵۱ س.م.

1. romantic
2. Summer; Flowers

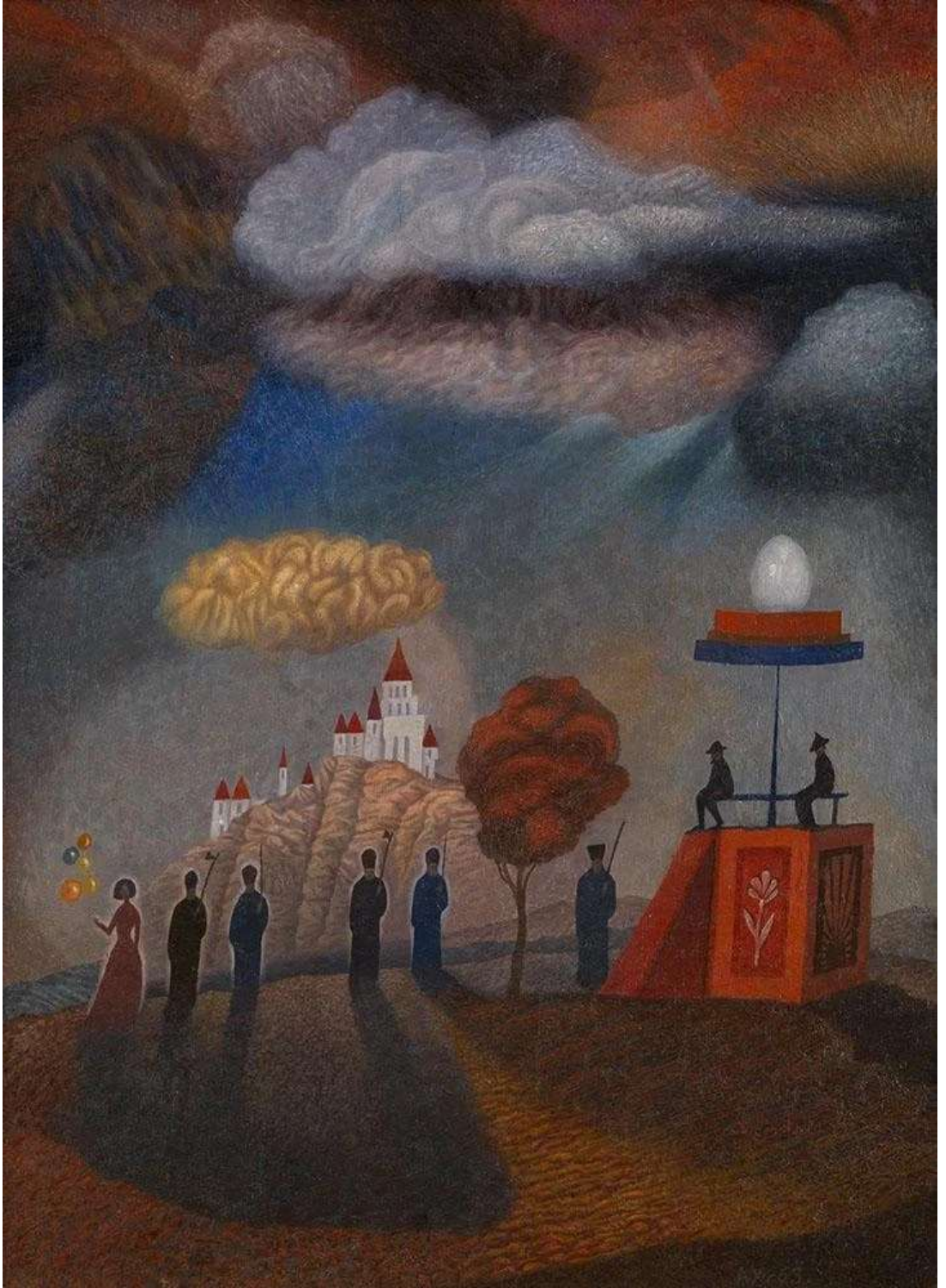


آلكساندر خاريتونوف، مرد با آتش، ۱۹۶۲، رنگ روغن بر روی بوم، ۳۰ × ۴۳ س.م.

---

1. Man with fire





آلكساندر خايرتونوف، افسانه جن و پري شماره ۱، ۱۹۶۳، رنگ روغن بر روي بوم، ۷۰ × ۹۰ س.م.



بالا: آلکساندر خاریتونوف، حمد خداوند، ۱۹۷۸، رنگ روغن بر روی بوم، ۴۰ × ۳۰ س.م.  
 پایین: آلکساندر خاریتونوف، بوریس و گلب، ۱۹۷۸، رنگ روغن بر روی بوم، ۴۲ × ۳۳ س.م.

1. Hallelujah
2. Boris and Gleb



آلكساندر خارتونوف، منظره طبيعى با چهار مقبره<sup>۱</sup>، ۱۹۷۲، رنگ روغن بر روى تخته، ۳۷/۵ × ۲۶/۵ س.م.، موزه هنر  
زيمرلى دانشگاه راتجز، نيوجرسى، ايالات متحده آمريكا

از ديگر هنرمندان غير رسمى در نسل اول مى توان به ميخائيل شوارتسمان<sup>۲</sup>  
(۱۹۹۷ - ۱۹۲۶)، دميتري كراسناپوتسف [كراسناپوتسييف]<sup>۳</sup> (۱۹۹۵ - ۱۹۲۵)، اولگ  
تسلكوف [تسيلكوف]<sup>۴</sup> (۲۰۲۱ - ۱۹۳۴)، آناتولى زورف [زوريف]<sup>۵</sup> (۱۹۸۶ - ۱۹۳۱) و  
ولاديمير ياكوفلوف<sup>۶</sup> (۱۹۹۷ - ۱۹۳۴) اشاره كرد كه از جمله هنرمندان فعال در اتحاد  
شوروى در دهه هاى ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بودند.

- 
1. Frou Shrines
  2. Mikhail Shvartsman
  3. Dmitry Krasnopenvtsev
  4. Oleg Tselkov
  5. Anatoly Zverev
  6. Vladimir Yakovlev

### لئونید سوکوف

سوکوف در اواخر دهه ۱۹۶۰ توجه خود را به تدریج به موضوعات اجتماعی در هنر معطوف کرد و سبک بخصوص خود را به وجود آورد؛ سبکی که غربی‌ها به آن علاقه بسیاری داشتند.

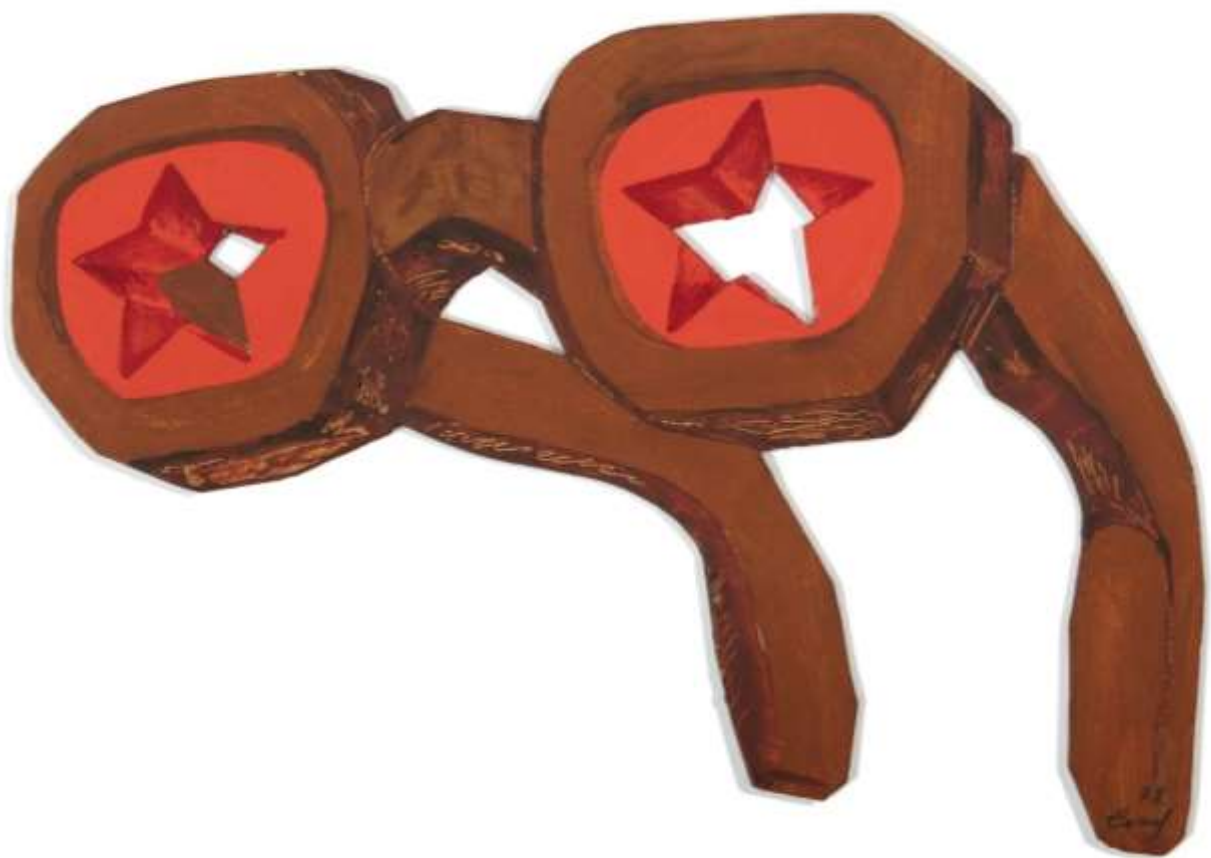
وی در فاصله ۱۹۶۹ - ۱۹۶۶ با آleksander کاسلاپوف و بوریس اورلوف در یک کارگاه به طور مشترک فعالیت می‌کرد. در دهه ۱۹۷۰ با استفاده از عناصر متعلق به هنر پاپ، ابداعات جالبی در سبک شخصی خود ایجاد نمود و با به کارگیری ایدئولوژی واقع‌گرایی سوسیالیستی به عنوان چیزی مصرفی، خود را به مثابه یکی از مهم‌ترین نقاشان هنر سوتس معرفی کرد.



لئونید سوکوف، پرتره ویاچسلاو ساخرانسکی و تیزر، ۱۹۷۸ - ۱۹۷۷، رنگ روغن بر روی مقوا، ۳۰ × ۲۲ س.م.

## هنر ناهمسو در مسکو ■ ۱۵۷

سوکوف با بهره‌گیری از عناصر تمدن مدرن از قبیل اشیای روزمره، نمادهای مقدس، نشان‌ها، تصاویر رسانه‌های گروهی و همچنین عناصر هنر کلاسیک، فولکلور، بت‌های پاگان<sup>۱</sup> و سایر مصنوعات، آثار هنری قابل توجهی خلق کرد و شماری از آن‌ها به نمادهای هنر سوتس بدل شدند.



لئونید سوکوف، عینک برای هر یک از مردم شوروی<sup>۲</sup>، ۱۹۷۸، گواش بر روی مقوا، ۳۳ × ۲۵/۵ س.م.

- 
1. Pagan
  2. Glasses for Every Soviet Person

اشیای مقدس نظیر چهره رهبران سیاسی، نمادهای دولتی و شاهکارهای هنر کلاسیک، به صورتی طنزآمیز در آثار سوکوف مشاهده می شوند. مسأله طعنه آمیزی شدید در آثار این هنرمند باعث می شود مخاطب او، دنیا را از زاویه ای دیگر مشاهده کند و برای لحظاتی از قید اقتدار حکومت ها و فرقه های فکری رها شود. او در هنر خود، پوچ گرایی عامیانه و مفرحی به نمایش می گذارد که در قالب حکایاتی طنزآمیز بیان می شوند.



لئونید سوکوف، از رهبران محافظت کنید!، اثر دو تکه، ۱۹۸۹، پارچه و رنگ روغن بر روی تخته، ۱۰۴ × ۶۰/۵ س.م.

## گریشا بروسکین

گریشا بروسکین در مقام نقاش و پیکرتراشی ناهمسو، نشانه های فراوانی از هویت یهودی خود در آثارش به نمایش می گذارد. وی با رجوع به عرفان یهودی و ترکیب آن با نشانه های متعلق به اتحاد شوروی، آثاری از جمله مجموعه *الفبا*<sup>۱</sup> (۱۹۸۴) و *لغتنامه بنیادین*<sup>۲</sup> (۱۹۸۶) خلق می کند که به برخی آثار هیرونیموس بوش<sup>۳</sup> شباهت دارند.



گریشا بروسکین، *یادمان ها*<sup>۴</sup>، ۱۹۸۲، رنگ روغن بر روی بوم، ۴۰ × ۴۵ س.م.

1. Alefbet
2. Fundamental Lexicon
3. Hieronymus Bosch
4. Monuments



گریشا بروسکین، یادبود<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳، رنگ روغن بر روی بوم، ۱۱۹/۲ × ۱۰۱/۹ س.م.

استفاده او از متون مقدس یهودی، پیکرهای انسانی و موجودات عجیب و غریب، به نقاشی های این هنرمند وجهه ای متمایز از دیگران می دهد. وی به دلیل ترکیب نشانه های دینی و کمونیستی، در شرایطی که هنر دینی سانسور می شد، مجبور شد در ۱۹۸۸ به نیویورک نقل مکان کند. بروسکین، افول نظام شوروی را از زاویه عهد عتیق<sup>۲</sup> مشاهده می کرد که افول و سقوط تمام امپراتوری ها را وعده داده بود. اما هم زمان، به زیبایی شناسی سقوط نیز توجه می کرد و همین دقت نظر بود که باعث می شد سقوط نظام فرهنگی شوروی را در قالبی هنری تبیین کند. او با استفاده از حکایات و ترکیب آن ها با نمادهای مذهبی مختلف و آموزه های عرفانی شرق باستان، مسیحیت قرون وسطی و... دنیایی خلق کرد که همچون کتابی، شایسته خوانده شدن و رمزگشایی بود.

صفحه بعد: گریشا بروسکین، بدون عنوان (کشیش منتظر)<sup>۳</sup>، اثر دو تکه، ۱۹۸۸، مرکب و مداد بر روی کاغذ، هر کدام ۴۸/۹ × ۳۷/۴ س.م.

1. Memorial
2. Hieronymus Bosch
3. Untitled (Priests Waiting)







گریشا بروسکین، الفبا - لغتنامه شماره ۸، ۱۹۹۰ - ۱۹۸۹، آکرلیک بر روی بوم، ۸۷/۶ × ۱۱۵/۶ س.م.

1. Alphabet - Lexicon 8

## روستیسلاو لبدف

روستیسلاو لبدف از هنرمندان مشهور فعال در هنر ناهمسوی شوروی و از پایه گذاران هنر سوتس بود. لبدف از اولین هنرمندانی محسوب می شد که از تکنیک هایی استفاده می کرد که در هنر پست مدرن رواج یافت: الگوگیری از آثار کلاسیک، ترکیب طعنه آمیز آن ها و وارد کردن زیرکانه عناصر مخرب سیاسی، جنسی، پسا استعماری و... به تصاویر.

این هنرمند از پیشگامان رجوع به آثار همکاران و معاصران خود در تابلوهای خود بود. در آغاز دهه ۱۹۷۰ وارد محفلی از هنرمندان شامل بوریس اورلوف، دمیتری پریگوف و ایگور شلکوفسکی<sup>۱</sup> شد که بعدها گروه خیابان روگوا<sup>۲</sup> نام گرفت. استمرار فعالیت کارگاهی و نمایشگاه های خانگی این هنرمندان زمینه ساز شکل گیری روشی شد که فرا هنر<sup>۳</sup> نام گرفت و به مبنایی برای ظهور هنر سوتس در سال های بعد تبدیل شد.



روستیسلاو لبدف،  
ترکیب بندی  
انتزاعی<sup>۴</sup>، ۱۹۷۱،  
رنگ روغن بر روی  
بوم، ۶۰ × ۵۰ س.م.

1. Rogova Street Group
2. Igor Shelkovsky
3. meta-art
4. Abstract Composition



روستیسلاو لبدف، ترکیب بندی فیگوراتیو انتزاعی، ۱۹۷۲، رنگ روغن بر روی بوم، ۴۵ × ۵۵ س.م.

---

1. Abstract figurative Composition



بالا: روستیسلاو لبدف، تأیید می‌کنیم، ۱۹۸۶، گواش و مداد بر روی کاغذ، ۵۳ × ۶۱ س.م.  
پایین: روستیسلاو لبدف، حماسه روسی، ۱۹۸۹، آکرلیک بر روی بوم، ۲۱۳/۵ × ۱۴۷ س.م.

- 
1. We Approve
  2. Russian Saga



روستیسلاو لیدف، تی پارتی (تقلید از کوستودیف)، ۱۹۹۰، آکرلیک بر روی بوم، ۱۲۷ × ۱۲۵ س.م.

---

1. Tea Party (After Kustodiev)

## بوریس اورلوف

این هنرمند نیز از مجموعه نقاشانی بود که در شهر مسکو در قالب هنر سوتس به آفرینش می پرداخت. او خود را هنرمند امپراتوری در نظر می گرفت و چنین توضیح می داد که شباهت هایی بین تصویرپردازی امپراتوری شوروی و تصویرپردازی یونان باستان، روم و هنر باروک سن پترزبورگ وجود داشت که او با مهارت خاصی آن ها را ترکیب می کرد.

بوریس اورلوف، پرتره گروهی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۲، گواش بر روی کاغذ چاپ شده، ۲۳ × ۱۸ س.م.



Б. Орлов  
1982



بوريس اورلوف، آلكساندر پوشكين در اونيفرم ارتشيباي، ۱۹۸۲، عكس سياه و سفيد و رنگ لعابي بر روي كاغذ  
عكس، ۴۱ × ۵۶ س.م.، گالري دولتي ترتياكوف، مسكو

---

1. Alexander Pushkin in Marshal's Uniform



نکته قابل توجه در این بین، ماهیت آثار هنرمند و وارد کردن عنصر طنز و رویکرد طعنه آمیزانه اورلوف بود. نقد قدرت دولت شوروی، بسیار حساس و ممنوع بود. به موجب خلق آثاری که تصویرپردازی امپراتوری شوروی را طعنه آمیزانه به سخره می گرفت، موضوعی ممنوعه به چالش کشیده می شد. ترسیم سیمای رهبران در قالب آثاری که تصویر قدرت و ابهت شوروی را زیر سؤال می برد، از ویژگی های آثار سوتس به شمار می رفت و اورلوف نیز همانند هنرمندان فعال در این جنبش، آثاری خلق کرد که نشانه ها، نمادها و مقدسات نظام سیاسی را به زبان طعنه آمیزانه بازنمایی می کردند.



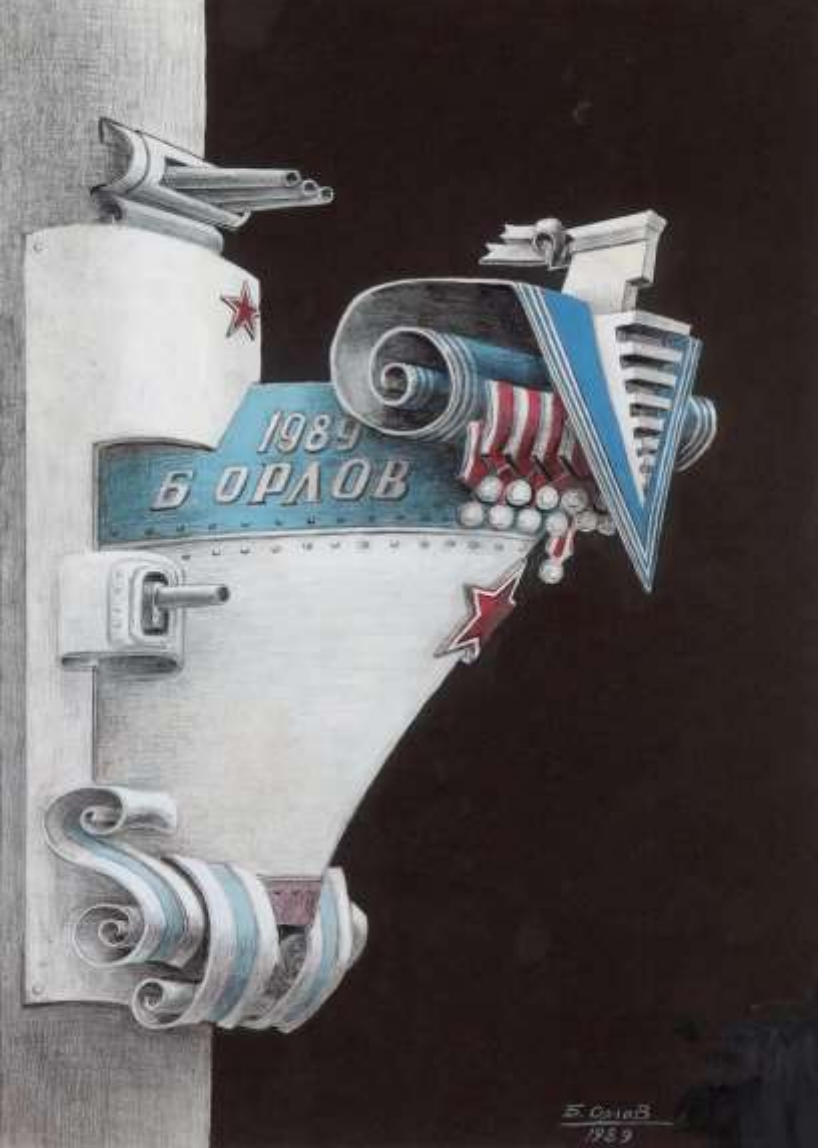
بوریس اورلوف، توتم سه سر، ۱۹۸۹، ترکیب مواد بر روی مقوا، ۵۶ × ۵۱ س.م.



بالا: بوریس اورلوف، یک کارگر و کشاورز مزرعه اشتراکی<sup>۱</sup>، از مجموعه دودمان امپراتوری<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹، تمپرا و مداد رنگی بر روی کاغذ، ۸۰ × ۵۶ س.م.

پایین: بوریس اورلوف، لذت پیروزی<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹، تمپرا، رنگ طلایی و مداد رنگی بر روی کاغذ چاپ شده، ۴۸ × ۳۵ س.م.

1. A Worker and a Collective Farmer
2. Imperial Heraldry
3. The Joy of Victory



بالا: بوريس اورلوف، ستون  
نوک دار، ۱۹۸۹، مداد، مداد  
رنگی و گواش بر روی کاغذ،  
۴۹ × ۶۸/۵ س.م.

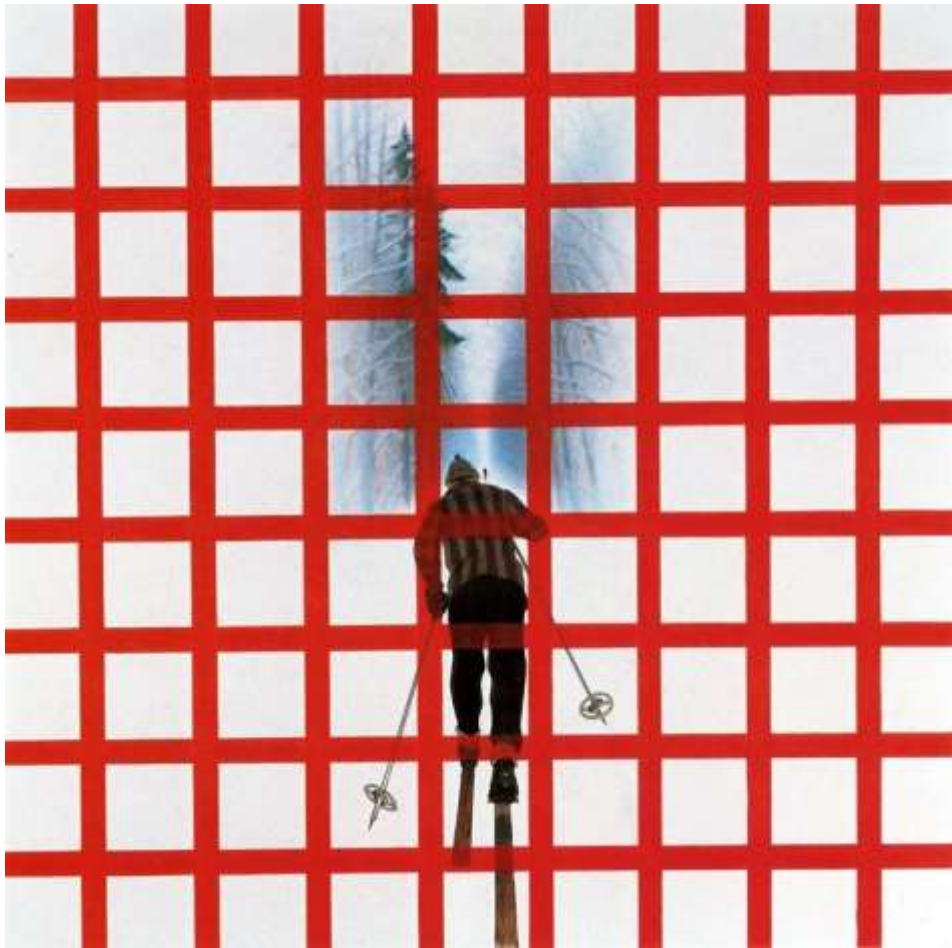


پایین: بوريس اورلوف،  
بال های پیروزی، ۱۹۸۹،  
گواش، مداد و مداد رنگی بر  
روی کاغذ چاپ شده،  
۶۹/۵ × ۴۹/۵ س.م.

1. Rostral Column
2. Wings of Victory

### اریک بولاتوف

هنرمندان غیر رسمی شوروی، به سبک ها و تکنیک هایی مختلف و متنوع فعالیت می کردند و آثار هنری ایشان به طور لزوم در قالب یک گروه یا نسل از جریان هنر ناهمسو دسته بندی نمی شد. به عنوان مثال، کاباکوف، بولاتوف و واسیلیف از هنرمندان نسل اول هنر ناهمسو در مسکو بودند که به منزله پلی بین دو نسل عمل کردند. شماری از آثار آن ها دارای خصوصیات آثار هنری نسل دوم به ویژه هنر سوتس بود.



اریک بولاتوف، اسکی باز، ۱۹۷۷ - ۱۹۷۱، رنگ روغن بر روی بوم، ۱۸۰ × ۱۸۰ س.م.

نقاشی های بولاتوف با افزایش طعنه آمیزی زیرکانه خود، به تدریج در زمره آثار هنر سوتس قرار گرفتند و او را به یکی از چهره های مهم این جنبش تبدیل کرد. وی به عنوان یکی از مهم ترین شخصیت های هنری اواخر دوره شوروی، در دو موج هنر ناهمسو حضور داشت و سبک خود را تا حدی حفظ کرده است. نقاشی های این هنرمند برجسته محتوی تصاویر واقع گرایانه بزرگ رنگارنگ از مناظر طبیعی، آسمان ها، محیط های شهری و مردم است که بر روی بسیاری از آن ها کلماتی بزرگ نقاشی می شود.

موضوعات مورد توجه بولاتوف، طیفی وسیع دارند و یکی از مهم ترین آن ها، کنترل گسترده دولت بر همه چیز است. او با استفاده از زبان به عنوان نظامی از نظم و کنترل، مبنای قانون مکتوب و محدودیت، دولت را نمادین می کند. طعنه آمیزی و تضادهای قابل مشاهده در آثار هنری او توسط استفاده ماهرانه این نقاش از واقع گرایی سوسیالیستی که ابزار سنتی دولت به منظور ارتباط تصویری بود، غنای نمادین می گرفت.

آثار این هنرمند، همزیستی و تعامل دو دنیای متفاوت را به بینندگان خود نشان می دادند: دنیای واقعی و ملموس از یک سو و دنیای نقاشی شده خیالی از سوی دیگر. دروازه میان این دو دنیا قابل مشاهده بود.

یکی از شاخص ترین آثار او، نقاشی /فق<sup>۱</sup> (۱۹۷۲ - ۱۹۷۱) بود. بولاتوف از اعضای گروه سرتینسکی بود که در اواخر دهه ۱۹۶۰ در کافه پرنده آبی<sup>۲</sup> اجراء داشت. هنگامی که کمردرد بولاتوف او را آزار می داد به کلینیکی در گورزوف<sup>۳</sup> می رفت تا ماساژ داده شود و هنگامی که بر روی تخت دراز می کشید، سعی می کرد زیبایی سواحل کریمه را تحسین کند که از پنجره تماشا می کرد. اما نرده ای قرمز رنگ که در پس زمینه قرار داشت، او را از تماشای منظره کامل و لذت از آن بازمی داشت. پس از چندین تلاش ناموفق به منظور دید بهتر، تسلیم شد و گفت: این هم زندگی ماست! این چنین بود که ایده نقاشی /فق به ذهن او خطور کرد که در آن، نواری قرمز رنگ منظره افق را می پوشاند. هدف او از این نقاشی، نشان دادن این نکته بود که مردم در شوروی توسط ایدئولوژی کور شده بودند تا قهرمان کار و فرزند ارزشمند میهن شوند؛ انسانی که هدف درست و زیبایی زندگی و دنیای

---

1. Horizon

2. The Blue Bird Café

3. Gurzuf

پیرامون خود را نمی بیند. او با استفاده از شاعرانه ترین مناظر طبیعی میهن خود به عنوان پس زمینه و پوشاندن آن ها با هجوم واژگانی تبلیغاتی، تضادی احساسی ایجاد می کرد. این قیاس هنرمند در تابلوی خود که محتوی ترکیب تصویری از فضای ایدئولوژیک واقعیت شوروی و منظره ای شاعرانه بود باعث شد منتقدان و مورخان هنر، او را یکی از مهم ترین چهره های مفهوم گرایی مسکو و از بنیانگذاران جنبش سوتس در نظر بگیرند.





اریک بولاتوف، خطر، ۱۹۷۳ - ۱۹۷۲، رنگ روغن بر روی بوم، ۱۱۰ × ۱۰۸/۶ س.م.، موزه هنر زیرملی دانشگاه راتجز، نیوجرسی، ایالات متحده آمریکا

خطر<sup>۱</sup> (۱۹۷۳ - ۱۹۷۲) اثری زیرکانه بود که واژه خطر را به رنگ قرمز در چهار طرف منظره ای آرام به شیوه واقع گرایانه سوسیالیستی قرار می داد و از طریق دستکاری در صحنه ای از پیک نیکی آرام، بدون اشاره به منشاء خطر یا اقدام به منظور ختنی کردن خطر، احساس اضطراب را به وجود می آورد. آیا افرادی که در پیک نیک به سر می بردند در خطر بودند یا خود عامل خطر هستند؟ در هر صورت، صحنه ای که باید آرامش بخش باشد تأثیری وارونه دارد.



اریک بولاتوف، خوش آمدید<sup>۱</sup>، ۱۹۷۴، رنگ روغن بر روی بوم، ۲۳۰ × ۸۰ س.م.

بولاتوف در نقاشی خوش آمدید در صحنه ای شهری، آرامش ظهري آفتابی را نشان می دهد: در این دنیای بهشتی شوروی، مردم با هم دوست هستند و دستاوردهای اقتصاد ملی به نمایش درمی آید. وی با استفاده از شگرد بخصوص خود و نوشتن واژه «خوش آمدید» به رنگ قرمز و در اندازه ای بزرگ، پیامی تهدید آمیز ارسال می کند. در اثری دیگر که شهرتی جهانی پیدا کرد، یعنی درود بر حزب کمونیست اتحاد شوروی<sup>۲</sup> (۱۹۷۵)، واژگانی بزرگ، همانند خون سرخ بر آسمان آبی (که نماد آزادی است) قرار می گیرند و آن را به طور کامل می پوشانند. این اثر را می توان اشاره ای طعنه آمیز به اقدام حزب کمونیست در به بردگی کشیدن و زندانی کردن قلمداد کرد. پیام این نقاشی چنان آشکار بود که حتی بی تفاوت ترین افراد نیز قادر به مشاهده ویژگی ضد کمونیستی آن بودند تا جایی که این تابلو در همان سال در شوروی ممنوع اعلام شد. این نقاشی در ۲۰۰۸ توسط حراجی فیلیپس<sup>۳</sup> به بهای ۲/۵ میلیون دلار خریداری شد و اریک بولاتوف را به ارزشمندترین هنرمند روسیه تبدیل کرد.

اریک بولاتوف، درود بر حزب کمونیست اتحاد شوروی، ۱۹۷۵،  
رنگ روغن بر روی بوم، ۲۲۹ × ۲۲۹/۵ س.م.

1. Welcome
2. Glory to the Communist Party of Soviet Union
3. Philips

